

زمین و دیگری گردش زمین بدور آفتاب بنا بر این صد درصد طبیعی و محسوس است اما ماههای شمسی چنین نیست زیرا حرکت خورشید در برجهای دوازده گانه برای نوع مردم محسوس نیست .

اشهر حرم کدامست

ماههای حرام که در لسان قرآن بآنها «اشهر حرم» گویند ؛ همان چهار ماه معروف است ؛ (رجب ، ذیقعدة ، ذی الحجة ، محرم) ، و علت اینکه نام آنها را ، ماههای حرام گذارده اند ، اینست که عرب جاهلیت احترام این چهار ماه را حفظ مینمود و جنگ و قتال و غارتگری را در این چهار ماه قبیح میسر دهند ، گاهی گفته میشود که تحریم جنگ در این چهار ماه از سنتهای حضرت ابراهیم و اسماعیل است ، ولی بسیاری از مورخان معتقدند که ریشه این رسم خود عرب جاهلیت است ، و جهت اینکه آنان جنگ در این ماهها را تحریم میکردند این بود که اعراب در ماههای رجب و ذیقعدة و ذی الحجة مجبور بودند به پیروی از روش نیاکان ، خدا را زیارت کنند ، و اعمال حج را انجام دهند و این مطلب در صورتی امکان پذیر بود که راهها امن گردد ، تا گروهی در ماه «رجب» موفق به انجام دادن اعمال «عمره» گردند ، و اکثریت قریب باتفاق ، در ماههای ذیقعدة و ذی الحجة ؛ توفیق اعمال حج را پیدا کنند ، و برای اینکه تمام قبائل دوردست با کمال امنیت به قرارگاههای خود برسند ، ماه محرم را ضمیمه نمود ؛ که پس از اتمام اعمال ؛ چند صبحی در مکه بمانند ، و بطور شتاب زدگی بمقصد نروند و بدانند که تا آخر ماه محرم امنیت در آن کشور برقرار است .

گاهی گفته میشود نکته تحریم جنگ در این ماهها این بود ، که بر اثر تحریم جنگ ؛ امنیتی برقرار گردد ، تا بازاری ، بوجود آید ؛ و بتوانند ؛ وسائل معیشت سالیانه خود را در این ماهها تأمین نمایند .

در حال ، این سنت ابراهیمی ؛ یا سنت عربی ، از آنجا که وسیله سعادت و بهبودی وضع مردم بود ، و با مقاصد عالیة اسلام کمال انطباق را داشت ، اسلام نیز ، این وضع را تثبیت نمود ، و هر گونه زد و خوردی را در این ماهها از طرفین ممنوع ساخت ، و چنین فرمود **هنها اربعة حرم** : از اینها دوازده ماه ، چهار ماه آن ، ماههای حرام است ، سپس برای برانداختن يك روش ناپسندیده که امیانا در میان اعراب پروزمیکرد ، و آن موضوع « نسیء » (تأخیر انداختن ماههای حرام ، و جایجا کردن آنها که دو شماره آینده درباره آن بحث خواهیم نمود) فرمود :

ذلك الدين القيم : این است آئین پابرجا ، و موضوع تأخیر ماههای حرام که عرب

بآن «نسیه» میگوید، برخلاف آئین حق است. و در پایان آیه سه مطلب را تذکر میدهد
 اول: تذکر میدهد که احترام این چهارماه را لازم بشمرید، و بدانید که این ماهها
 مانند برخی از امکنه مکه و مدینه... شرافت دارد. جمله: **فَلَا تَظْلَمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ**
 اشاره به همین مطلب است.

دوم: دستور جهاد عمومی میدهد که بایست مسلمانان باتمام نیرو با اساس جهان
 شرک بجنگند، و مشرکان بدانند که پس از گذشتن چهارماه، در کشور اسلامی برای آنها
 جایگاهی نیست.

سوم: نیروهای غیبی الهی بامردان برهیز کار است؛ چنانکه فرمود: **وَاعْلَمُوا**
أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ.

از اسراف پرهیزید

امام صادق (ع) فرمودند: «خداوند اقتصاد و میانه روی را دوست
 میدارد، اسراف و زیاده روی را دشمن میدارد، هر چند اسراف بدو افکنند
 هسته خرما باشد، زیرا هسته خرمانیز بکار آید، و هر چند دور ریختن
 زیادی آب باشد. (نقل از بحار الانوار جلد ۱۵)

بشرین مروان می گوید با جمعی بحضور امام صادق (ع) شرفیاب
 شدیم، و آنحضرت امر فرمود خرما آوردند، یکی از ما هسته خرما را
 دور میانداخت؛ حضرت از خوردن خرما دست کشید و بآن شخص فرمود: این
 کار را مکن که این خود اسراف و زیاده روی است و خداوند تباه کردن مال
 را دوست نمیدارد (نقل از جامع علوم اسلامی)

امام صادق (ع) روزی مشاهده فرمودند میوه ای را که همه آن خورده
 نشده و از منزل آنرا بیرون افکنده اند از این منظره متأثر و خشمگین گردید،
 و فرمود این چه کاریست اگر شما سیر شده اید؛ بسیاری از مردم گرسنه و
 محتاجند؛ این میوه را بآنها که نیازمندند بدهید.

(نقل از وافی جلد ۶)

منظره جالبی از زیبایی طبیعت

● گل با چهارمین اندام گیاه

● شکفتن گلها

● نقشهای که در او خیره بنامند ابصار

● یکی از معجزات قرآن

در فصل بهار بر فراز شاخه های درختان و بوته گیاهان مظهری از زیبایی طبیعت جلوه گر میشود، یعنی گل که چهارمین اندام گیاه است بوجود میآید . همانطوریکه در وجود کلیه جانوران دستگاه مخصوص بنام دستگاه تناسلی وجود داشته عهده دار بقاء نسل و تکثیر آن میباشد ، همچنین در وجود گیاهان ؛ دستگاهی برای این هدف مقرر گردیده است و در قسمت مهمی از آنها این منظور بوسیله گل تأمین میشود . گلها زیباترین اعضای گیاهند و بوسیله برگهای رنگین و عطرهای دلاویز خود ، جلب توجه مینمایند ولی دلا بلای این برگهای رنگارنگ يك قسمت ریزه کاریهای عجیب و لطایف علمی وجود دارد، که زیبایی آنها بمراتب از جمال ظاهری آنها افزون تر و حیرت انگیز تر است .

برای روشن شدن این حقیقت بتشریح ساختمان گل و شرح وظایف قسمتهای مختلف آن می پردازیم .

ساختمان گل - گل که معمولاً بر سر شاخه ای موسوم به «دم گل» قرار گرفته و انتهای متورم آن «طبق گل» نامیده میشود ، از خارج بداخل بترتیب از قسمتهای زیر تشکیل شده است .

۱ - کاسه گل - که خارجی ترین قسمت گل است و از برگهای متعدد سبز رنگی ،

تشکیل یافته است که هر يك از آنها «کاسبرك» نامیده میشود؛ و هنگامیکه گل هنوز شکفته نشده و بشکل غنچه است همین کاسبرکها آنها را احاطه کرده است و چون وظیفه آنها پوشاندن و حفاظت اندام داخلی گل است لذا محکم تر و مقاوم تر است. تعداد کاسبرکها در انواع گلها متفاوت است و گاهی بر نگهای زیبایی درمیآید چنانکه در گل ذنبق و لاله و سوسن مشاهده میکنیم.

۳ - جام گل - که از اجتماع تعدادی بر کهای ظریف و زیبا و رنگین بنام «گلبرك» پدید آمده است. دقت و لطافت و رنگ آمیزی آنها هر بیننده را باعجاب و تعسین وادار میکند. تعداد گلبرکها بر حسب انواع گیاهان متفاوت است ولی طرز قرار گرفتن آنها نسبت بکاسبرك همیشه ثابت است باین معنی با کاسبرکها يك درمیان بوده و يك گل برگ وسط دو کاسبرک واقع میشود.

ضمناً باید دانست که در بعضی از درختان گلبرکها رنگین نیست مانند «مو» و «خرما» که گلهای سبز دارند اندازه گلبرکها معمولاً خیلی بزرگ نیست اما استثنائاً گلبرکهای بسیار بزرگ نیز در طبیعت دیده میشود: در مکزیک يك نوع درخت بی برگ میروید که گلبرکهای خیلی بزرگ دارد بطوریکه رویه گل به ۱۲۵۶ سانتیمتر میرسد و صدای شکفتن آنرا انسان بغوی درک مینماید.

این دو قسمت یعنی «کاسه» و «جام گل» بخش فرعی گل بوده عملشان محافظت قسمت های اساسی و داخلی گل و جلب توجه پروانگان و سایر حشرات است، چه بر اثر بوی خوش و رنگهای زیبایی که در کاسبرکها است توجه پروانگان و حشرات دیگر بگل جلب میشود.

۴ - نافه گل - در توی جام گل اگر دقت کرده باشید، بر چمهای ظریفی دیده اید که آنها را «نافه» مینامند، تعداد و شکل پرچمها بر حسب انواع گلها متفاوت است و در يك نوع گل همیشه ثابت است بطوری که در تعداد نسبتاً زیادی از گلها پرچم موجود است و در نخود و لوبیا ۱۰ پرچم طویل و در کیلاس و توت فرنگی ۲۰ پرچم متوسط و در گل سرخ و خشخاش عدده زیادی پرچم نسبتاً کوتاه وجود دارد.

ساختمان پرچم - هر پرچم شامل میله ای است که بر فراز آن برآمدگی کوچک و زرد رنگی است که آنرا «انسر» یا «بساک» می گویند میله که اغلب استوانه ای شکل است عهده دار رساندن مواد غذایی به «بساک» است و لذا لوله های چوبی و آبکش که راه جریان مواد غذایی است در دوون آن قرار دارد.

بطور کلی پرچم، اندام آمیزشی نر است و از این نظر بساک نقش مهمی را ایفا می کند

بسا ک کیسه کوچکی است که دارای چهار حفره است و مملو از دانه‌های بسیار و بزاست که بآنها «دانه‌های کرده» میگویند این دانه‌ها شباهت کاملی با نطفه حیوانات نر دارند و چنانکه خواهیم گفت همان عمل را انجام میدهد.

دانه کرده بسیار ریز است و لذا بی بردن بقسمتهای مختلف آن با چشم غیر مسلح امکان پذیر نیست ولی با میکروسکوپ همه قسمتهای آن پی برده‌اند و ریزه کاربهای شگفتی که در این دانه بسیار کوچک بکار رفته است حیرت انگیز است. یعنی دانه بر مقدار زیادی مواد قندی و چربی و نشاسته‌ای مشتمل است و در وسط آن دو هسته که یکی کوچکتر و دیگری بزرگتر است وجود دارد، بزرگتر را «هسته روینده» و کوچکتر را «هسته زاینده» مینامند و وظیفه این دو هسته در عمل لقاح شرح داده خواهد شد ضمناً باید متوجه بود که شکل «دانه‌های کرده» در انواع گیاهان متفاوت است و بر حسب نوع گیاه دارای اشکال: «هرمی و مثلث و کروی و بیضی» است و شیارهایی که بر سطح آنها در زیر میکروسکوپ دیده میشود نیز یکسان نیست و در هر نوع گیاه وضع مخصوص و مشخصی دارند همین موضوع یکی از شگفتیهای آفرینش است و بمائ ثابت میکند که هیچ موجودی بزرگ یا کوچک از قلمرو نظم خارج نیست.

۴- مادگی گل - در وسط پرچمها روی محور گل، بر آمدگی مخصوصی دیده میشود و آن مادگی گل است که اندام آمیزشی ماده محسوب و از سه بخش: «کلاله»، «خامه» و «تخمندان» تشکیل میگردد.

الف- کلاله - و آن برجستگی مخصوصی است که در ناحیه فوقانی مادگی است و روی آن از کرکهای ریزی پوشیده شده است که ماده ممتدی و چسبناکی از آن تراوش میشود کار این ماده چسبیده نگاهداری و جذب «دانه کرده» و کمک برویاندن آن است. ب- خامه - لوله‌ای است باریک که رابطین کلاله و تخمدان است دیواره داخلی این لوله از بافت مخصوصی بنام بافت راه‌نما (انتقال دهنده) مفروش است تا وظیفه خود را که انتقال دادن «دانه کرده» بداخل تخمدان است بآسانی انجام دهد، علاوه در بافت راه‌نما مقدار زیادی مواد پس انداز شده موجود است که بعدها بمصرف روئیدن و نمو «دانه کرده» میرسد.

ج- تخمدان - در پایین مادگی که متصل بقسمت تحتانی گل است ناحیه برجسته‌ای وجود دارد که آنرا تخمدان میگویند که بخش اصلی مادگی را تشکیل میدهد، داخل تخمدان دانه‌های ریزی بنام تخمک وجود دارد که بوسیله برآمدگی بسیار ریزی بنام حنجره، بدیواره تخمدان

اتصال دارند ، تخمکها بر حسب نوع گیاه دارای شکلهای مختلف بوده دارای ساختمان منظم و دقیق هستند بطوریکه در هر نوع گیاه دارای شکل ثابت و معینی میباشد ، و بطور کلی شباهت تامی با نطفه حیوانات ماده داشته و همان نقش را در عمل لقاح بعهده دارند .
داخل تخمدان ، در بعضی از گیاهان یک حفره است ، و در اینصورت تخمدان ، یک خانه ای نامیده میشود و در بعضی چند خانه ای است ، مثلا در تیره مرکبات (برتقال) .
تخمدان ۵ خانه ای تا ۱۲ خانه ای وجود دارد .

شکفتن گلها

چون در این جهان منظم هیچ موجودی از قلمرو نظم بیرون نیست ؛ و لذا باز شدن گلها نیز منظم است و هر نوع گل در هر محل در ساعات معینی باز میشود ؛ مثلا گل ساعتی در تهران همیشه یک ساعت بظهور باز میشود و قبل از ساعت مزبور غنچه گل بسته است .
خلاصه در هر محل میتوان صورتی از ساعت باز شدن گلهای مختلف آن محل تنظیم نمود .

عمل آمیزش و لقاح

کار اصلی گل ، عمل آمیزش و تشکیل میوه و دانه است ؛ عمل آمیزش بوسیله اتحاد «دانه گرده» (۱) «تخمک» (۲) تحقق مییابد و این اتحاد باین وسیله بوجود می آید که دانه گرده بر روی «کلاه» گل نوع خود قرار میگیرد و از مواد غذایی که بر روی آن قرار دارد تغذیه میکند ، از آن پس بداخل لوله «خامه» راه پیدا می کند در حالیکه هسته روینده در جلو هسته زاینده بعد از آن قرار دارد در طول لوله خامه با جذب مواد غذایی بر شد خود ادامه میدهد ، و با پیبودن طول خامه بتخمدان میرسد و در طی رشد آن «هسته روینده» صرف روئیدن آن شده از بین میرود و «هسته زاینده» با «تخمزای تخمک» ترکیب شده تخم بوجود می آید .

این عمل ؛ «لقاح» (بارور شدن) نامیده میشود و پس از لقاح گل پژمرده شده ؛ کاسه گل و جام گل و پرچمها ریخته و جامه و کلاه خشک شده و تخمدان نمو کرده بدل بیوه گشته و تخمکهای تلقیح شده بدانه تبدیل میگردد که در شماره بعد شرح داده خواهد شد .

(۱) چنانکه گفته شد دانه های بسیار بزرگی است و شباهت تامی بنطفه حیوانات ندارد ،

و در داخل بساک پرورش مییابد .

(۲) همانطوریکه خاطر نشان گردید : دانه های بسیار بزرگی است و شباهت کاملی

بنطفه حیوانات ماده دارد و در داخل تخمدان بوجود می آید .

همانطوریکه دانستیم برای تحقق عمل آمیزش و حصول لقاح باید «گرده» روی «کلله» قرار گیرد و این موضوع «گرده افشانی» نامیده میشود و با عوامل مختلفی انجام میگردد که ناگزیر به آن بمقاله بعد موقوف میگردد ولی در اینجا توجه خواننده محترم را بنکات زیر جلب می :

نقشهایی که در او خیره بماند ابصار!

با توجه عمیقی بشریح گل و قسمتهای فرعی آن که برای حفاظت اعضاء اصلی آن بوجود آمده ، و اعضاء اصلی آن که اندام آمیزشی نروماده است و سلولهای نر و ماده که هر یک در جای مخصوصی پرورش مییابد و با مقدمات عجیبی که لقاح یعنی بارور شدن گیاه را تحقق میبخشد ؛ بر هر عاقلی روشن میشود که این نظام دقیق و شگفت ابداً نمیتواند مولود تصادف باشد .

اساساً بوجود آمدن جنس نروماده در عالم حیوان و گیاه تا بدین وسیله آنها موافق خصایص و سنن خود تولید مثل نمایند و نسل آنها ادامه یابد یکی از دلایل بزرگ خدا - شناسی است .

زیرا اگر ما فرض کنیم که در نتیجه تصادفات و اتفاقات بی دربی و زیاد ؛ جنس نر در عالم حیوان و گیاه پدید آمده است ؛ آیا میتوانیم بگوئیم که موجود دیگری از همان جنس بنام ماده که در بعضی از اعضاء با آن مخالف است و از آمیزش آنها با هم موجود دیگری بوجود می آید ، تصادفاً بوجود آمده است ؟

آیا همین موضوع به تنهایی کافی نیست که ما را راهنمایی کند باینکه یک منبع قدرت و حکمتی کائنات را ابداع کرده و جانداران را متنوع آفریده و در هر نوعی پس از آنکه غرائز مخصوصی قرار داده جنس نروماده بمنظور بقاء نسل و تکثیر مثل آن نسل و نژاد آفریده است ؟

این همان نکته ای است که گفتیم: ریزه کار به اولطایفی که در وجود گلپای رنگارنگ و زیبا بکارفته است از جمال و زیبایی ظاهری آنها بر مراتب بیشتر و جالبتر است .

آری این نقشهایی که در وجود گل اطلسی و ارغوان و نیلوفر جلوه گر است ؛ این لطایفی که در گل مینا و سنبل بکار رفته ، این حقایقی که از دهان غنچه سیراب سر چشمه می گیرد ؛ این رنگهای شاخه و رنگین مرجان ، دیده هارا خیره می کند و عقلمهارا بتحسین و خضوع در برابر آفریدگار وامیدارد .

ارغوان و یخته بردر که خضرای چمن ❁ نقشهایی که در او خیره بماند ابصار

خیری و خطمی و نیلوفر بستان افروز	✽	همچنانست که بر تخته دیا دینار
باش تا غنچه سیراب دهن باز کند	✽	بامدادان چو سر نافته آهوی تبار
شاخها دختر دوشیزه باغند هنوز	✽	باش تا حامله گردند بالوان نمار
پادشاهی نه بدستور کند یا گنجور	✽	نقشبندی نه بشگرف کند یازنگار

یکی از معجزات قرآن

در طول قرون متعادی موضوع جفت بودن (نر و ماده بودن) را بشر تنها در دایره حیوانات محدود میدانست و در عالم گیاهان فقط در درخت خرما، نروماده را تشخیص داده و اصلاً موضوع جفت بودن در غیر درخت خرما اطلاعی نداشت؛ و بگلهای تنها از نظر جمال و زیبایی نگاه میکرد، تا اینکه اخیراً پیشرفت علم باین راز بزرگ آفرینش پی برد که گل اندام تولید مثل است و محتوی اعضاء نروماده بوده کیسه مخصوصی برای پرورش سلول نر و محافظه معینی برای تولید سلول ماده است، و با مقدمات شگفت انگیزی، از ترکیب این دو سلول، گیاه بارور میشود، این حقیقت چالهرای چنانکه گفتیم بشر در قرون اخیر درک کرد ولی قرآن مجید کتاب آسمانی دین مقدس اسلام در طی آیات متعدد؛ موضوع جفت بودن گیاهان را خاطر نشان ساخت و برای نمونه بآیه هفتم از سوره شمره اشاره کرد: **اولم یروا الی الارض کم انبتنا فیها من کل زوج کریم یعنی: «آیا در زمین بدیده عبرت نگاه نمیکنند که ما هر نوع گیاه بر سرود را، جفت دو یانیدیم؟» (۱)**

قرآن کریم موضوع جفت بودن را در دایره حیوان و گیاه محصور نمیسازد بلکه کلیه موجوداتی که از کارگاه آفرینش خارج گردیده اند جفت معرفی میکند و میفرماید: **ومن کلشیء خلقنا زوجین یعنی «از هر چیزی جفت آفریدیم» (آیه ۴۹ سوره زاریات)** شاید این تعبیر اشاره بآن حقیقتی باشد که علم امروز بآن رسیده است که همه موجودات از اتم تشکیل یافته، و اتم هم از دو نیروی الکتریکی مثبت و منفی بوجود آمده است!

(۱) هر چند مفسران سابق زوج را بمعنای نوع می گرفتند، ولی مفسران اخیر زوج را بمعنای جفت بودن یعنی نر و ماده بودن گرفته اند برای نمونه بتفسیر طنطاوی و **«فی ظلال القرآن»** مراجعه کنید.